می‌آمدند سرتمرین و می‌دیدم که چگونه تمرین می‌کنند. پیشنهاد هم شد که هدایت تیم را برعهده بگیرم، اما خمیرمایه‌ی تیم شکل گرفته بود که باب میل‌ام نبود.

ولی حسرت این تیم هم برای شما ماند.

حسرت از این جهت که اینها همه می‌توانستند طلا بگیرند، اما سوختند. البته خیلی‌های دیگر هم بودند که سوختند. جای خالی عکس پرویز زیدوند و برخی از این کشتی‌گیران در خانه‌ی کشتی خالی است. اینها با مدال جهانی و المپیک می‌توانستند در بین سایر بزرگان قرار بگیرند. اگر کمی زودتر به ایران برگشته بودم، رسول جزینی هم که آن موقع کشتی می‌گرفت بدون مدال جهانی نمی‌رفت.

برگردیم به روزهای خوب کشتی بعد از المپیک پکن. با قهر از تیم جدا شدید، اما با قدرت به تیم برگشتید.

بعد از المپیک پکن به پیشنهاد یزدانی‌خرم برگشتم، که هم برای خودم خوب شد و هم برای کشتی. حالا خیلی‌ها می‌گویند گلخانه‌ای کار کردم که هیچوقت نفهمیدم منظورشان از اینکه گلخانه ساختم، چیست. ولی وقتی برگشتم به یزدانی‌خرم گفتم که اختیار تام می‌خواهم. با این پیشنهاد من موافقت شد و شرایط برای بازگشت‌ام فراهم شد.

شاید یکی از خصوصیات یزدانی‌خرم در عرصه‌ی مدیریت این بود که وقتی اشتباه می‌کرد، دیگر روی اشتباه‌اش اصرار نمی‌کرد و بلافاصله آن را تصحیح می‌کرد.

یزدانی‌خرم یک مدیر نمونه بود. نه به‌خاطر اینکه من را آورد. او هفده سال رییس فدراسیون والیبال بود. ضمن اینکه تمام سه مدال طلای المپیک لندن برای یزدانی‌خرم است. نه فقط تمام مدال هایی که در آن دوره به دست آمد، بلکه در طول تاریخ بی‌نظیر بود. موفقیت کشتی فرنگی در بازی‌های آسیایی در سال ۲۰۱۰ خاطرتان است؟ بعد از بازی های آسیایی ۱۹۷۴ تهران، این نتیجه بی‌نظیر بود. ضمن اینکه برنامه‌ریزی فوق العاده‌ای داشت که منجر به ظهور استعدادهایی امثال حسن یزدانی در سال‌های بعد شد.

در سال های اخیر بارها این موضوع مطرح شده که مربی در این موفقیت‌ها نقشی نداشته است؟

نمی‌دانم چرا این حرف‌ها مطرح می‌شود، اصلا ریشه‌ی این حرف‌ها کجاست؟ قوی‌تر از دوره‌ی رسول خادم نداشتیم، اما نتوانست به موفقیت برسد؛ اگر قرار بود مدیریت به‌تنهایی نتیجه بدهد که باید در دوره‌ی رسول، تمام موفقیت‌ها رقم می‌خورد. اگر مربی نقش ندارد، چرا این همه هزینه می‌شود که بهترین مربیان دنیا برای تیم‌ها جذب شوند؟

پس چرا این موضوعات مطرح می‌شود؟

این وسط یک حلقه‌ی مفقوده وجود دارد؛ مدیریت، کشتی‌گیر و مربی، اما مربی در این بین همیشه کمتر دیده می‌شود. مدیریت بیشتر با کشتی‌گیر سازگار است. کی‌روش در موفقیت‌های تیم ملی فوتبال نقش نداشت؟ یا ولاسکو در موفقیت والیبال نقش نداشت؟ والیبال بعد از ولاسکو هرگز آن تیم سابق نشد. درحالی‌که بازیکنان‌اش هنوز تغییر نکرده بود. زحمت مربیان ناشناخته است. موفقیت، یک زنجیره است. مربیان سازنده هستند که می‌سازند و ما در تیم ملی استفاده می‌کنیم، اما اگر ما هم درست استفاده نکنیم تمام زحمات مربیان از بین می‌رود. در دوره‌ای دانشگاه آزاد گفت می‌خواهد در لیگ تیم بدهد. به من گفتند کشتی‌گیران را معرفی کن. اسم سوریان، قاسم رضایی و محمدی را دادم، اما بهرام قدیمی گفت اینها چه کسی هستند، من اینها را نمی‌شناسم. علی اشکانی و مسعود هاشم‌زاده را معرفی کن.

با همین نفراتی که برای حضور در لیگ حاضر نشدند روی آنها سرمایه‌گذاری کنند، کار جلو رفت تا رسید به موفقیت در لندن.

هر سال بهتر از سال قبل بودیم. تاکید می‌کنم که این موفقیت، تیمی بود و فقط به من ربط نداشت.

شما قبل از اینکه به المپیک بروید، گفتید که در دفتری نوشته بودید که چند مدال در المپیک کسب می‌کنید. چند مدال را نوشتید؟

چهار طلا و یک نقره

پنج مدال در شش وزن؟

نوشته‌ی من اشتباه بود، باید شش مدال می‌گرفتیم اما نشد.

روی کدام نفرات حساب کرده بودید؟

سعید باید طلا می‌گرفت، چون من هنوز هم اعتقاد دارم که تصمیم داور درست نبود و حبیب هم باید نقره می‌گرفت و البته بشیر هم باید با مدال برمی‌گشت. گاهی هم مصاحبه کردم و گفتم که باید شش مدال بگیریم، اما می‌گفتند دیوانه شده است. در داخل قبول نداشتند که چنین اتفاقی رخ می‌دهد اما در بیرون از ایران، رومن ولاسوف برایم نوشت که مربی بزرگی هستید و کار بزرگی را انجام دادید که تاریخی بود، ولی باید چهار مدال طلا می‌گرفتید. طلا برای سعید بود، اما داوران اجازه ندادند.

قبل از اعزام تیم به لندن هم حاشیه‌های زیادی برای تیم شما به وجود آمد.

بله، انتخاب ما حبیب بود که همین باعث شد طالب قهر کند و اردو را ترک کرد.

اما بعد حبیب مصدوم شد.

حبیب سهمیه گرفته بود و از طالب یک قدم جلوتر بود. یک روز در اتاق‌ام نشسته بودم که طالب وارد اتاق شد و با صدای بلند گفت تکلیف ما را روشن کنید. توضیح دادم که با توجه به سهمیه گرفتن حبیب اخلاقی، او یک قدم از تو جلوتر است اما هنوز زود است که بخواهیم تصمیم بگیریم. طالب بعد از این گفت‌وگو، بدون اینکه من را خبردار کند ساک‌اش را جمع کرد و از اردو رفت. بعد از چند روز حبیب از ناحیه‌ی دست آسیب دید، ولی چون طالب از اردو رفته بود دیگر به او زنگ نزدم. اگر مطمئن بودم که طالب در لندن طلا هم می‌گیرد بازهم به او زنگ نمی‌زدم، چون اردو را ترک کرده بود و برایم ارزش نداشت. برنامه‌ی من همیشه برای رسیدن به موفقیت همین بود که رقابت به‌وجود بیاورم.

تیم رفت و با سه طلای تاریخی برگشت که بعید است باز هم تکرار شود.

چرا بعید است؟ شاید در همین توکیو سه مدال به دست آمد.

به این تیم امید دارید؟

اگر امید نداشتم که موفق می‌شوند، دیوانه نبودم زن و بچه‌ام را رها کنم و شبانه‌روز در خانه‌ی کشتی بمانم. از کجا معلوم این نسل بهتر از نسل قبلی نشود؟ در حال ساخت تیمی هستیم که می‌تواند پنج،شش سال قهرمان جهان شود. نسلی را از دست دادیم که این استحقاق را داشت که در حد فاصل سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ قهرمان جهان شود، اما فقط یکبار در سال ۲۰۱۴ به قهرمانی جهان رسید. اما حالا امید دارم که این نسل جدید، جای آنها را بگیرد.

خیلی سختی کشیدید تا به این سه مدال طلا رسیدید.

کار کردن در تیم ملی با عشق است وگرنه به لحاظ مالی چیزی ندارد. باید عاشقانه کار کرد تا به نتیجه هم رسید. آن سال‌ها با عشق کار کردیم. کار کردن در کشتی را دوست دارم. در لندن موقع برگزاری بازی‌ها در حال استراحت در اتاق بودم که شنیدم گفتند بچه‌های آزادکار در حال ورود به دهکده هستند. به‌حدی برای دیدن کشتی‌گیران آزادکار ذوق کردم که بلافاصله از روی تخت بلند شدم و به سمت بالکن دویدم که با همان سرعت به شیشه‌ی در بالکن خوردم. به‌حدی ضربه شدت داشت که بیهوش شدم. فقط برای اینکه دوست داشتم بچه‌ها را ببینم.

بعد از لندن تیم ملی کشتی فرنگی باید قهرمان جهان می‌شد و این، گفته‌ی شما بود.

بله، باید قهرمان می‌شدیم

اما شما از تیم رفته بودید.

هرگاه من رفتم و تیم نتیجه‌ی خوبی گرفت، فکر کردند کار خودشان است. سال ۲۰۱۴ فقط دو ماه به جهانی مانده بود که رفتم و تیم قهرمان دنیا شد؛ فکر کردند که این قهرمانی کار آنها بود، به‌همین‌خاطر هم در جهانی ۲۰۱۵ شکست خوردند. قبل از این هم در سال ۲۰۰۶ تکرار شده بود، اما تیم در جهانی ۲۰۰۷ نتیجه گرفت چون هنوز تفکرات ما وجود داشت. اما برای المپیک ۲۰۰۸، برنامه‌ی کادری که بر سر کار بود حاکم شد و نتیجه‌ی آن را هم که همه می‌دانند.



هرگاه من رفتم و تیم نتیجه‌ی خوبی گرفت، فکر کردند کار خودشان است. سال ۲۰۱۴ فقط دو ماه به جهانی مانده بود که رفتم و تیم قهرمان دنیا شد؛ فکر کردند که این قهرمانی کار آنها بود، به‌همین‌خاطر هم در جهانی ۲۰۱۵ شکست خوردند